

اخلاق

روش تکامل اخلاق:

۱- اخلاق یعنی احترام :

نخستین نکته مهم این است که جوهر اخلاق احترام است. احترام به خود، احترام به دیگران، احترام به همه اشکال حیات و محیطی که آنها را دربرگرفته است.

لازمه احترام به خویشتن این است که برای زندگی و شخص خود ارزشی قایل باشیم. «با دیگران چنان رفتار کن که می خواهی با تو رفتار کنند و به عبارتی آنچه

برای خود نمی پسندی برای دیگران مپسند» یک اصل اخلاقی است که در تمامی

مذاهب و فرهنگهای دنیا توصیه شده است. برای تربیت فرزندان شایسته به چیزی

بیش از اخلاق احترام نیاز دارید. ایجاد اخلاق احترام گام مؤثری برای رسانیدن

فرزندانمان به بلوغ اخلاقی است.

۲- تکامل اخلاقی فرآیندی تدریجی است :

نکته بسیار مهمی است که اخلاق احترام ناگهان و تمام و کمال در هیچ سن به

خصوصی دیده نمی شود. تکامل اخلاق فرآیند تدریجی است که مرحله به مرحله به

دست می آید. زیرا پایه های تکامل اخلاق از بدو تولد تا پایان سه سالگی استوار می

باشد. بخش دوم به مراحل استدلالی اخلاقی مربوط است و این مرحله ای است که با

دخالت پدر و مادر و سایرین از زمان پیش از مدرسه تا بلوغ صورت خارجی می

گیرد. آنها می توانند در کنار خواسته های خود توجه به خواسته های دیگران را هم یاد بگیرند و در جاده دور و دراز منتهی به بلوغ اخلاقی قدم بردارند. تجربه نشان می دهد که مراحل استدلالی شبیه نردبانی است که کودک برای صعود از آن باید از پله ها به ترتیب و تدریج بالا رود. به تدریج و به دنبال هر صعود، احترام کودک به دیگران بیشتر می شود. توجه داشته باشید که بچه ها هم مثل بالغها گاه به پایین سر می خورند و موقتاً در مرحله پایین تری قرار می گیرند. بعضی از بچه ها سریعتر از دیگران پله های تکامل را می پیمایند. اما تکامل اخلاقی مسابقه نیست، یک جریان و فرآیند است.

مهم این است که به ادامه حرکت او در مسیر تکامل کمک کنیم.

۳- به کودکان احترام بگذارید و از آنها احترام بخواهید :

یکی از اصولی ترین راههای ایجاد احترام در کودکان تا به خود و دیگران احترام بگذارند، احترام گذاشتن به آنها و تقاضای احترام متقابل از آنهاست.

دکتر کابری می گوید: «قدم نخست برای تربیت اخلاقی کودک برخورد اخلاقی با اوست.» برخورد محترمانه با کودکان مستلزم رفتار انسانی با آنهاست. به گفته یک مادر: «آویزه گوشم کرده ام که بچه های من انسانهایی هستند که حق و حقوقی دارند، عروسک خیمه شب بازی نیستند که با آنها هر طور که بخواهم رفتار کنم.»

رفتار انسانی با کودکان و رعایت انسان بودن آنها مستلزم برخورد منصفانه است، و به حکم همین انصاف باید با کودک به اقتضای سن و سال او رفتار کرد و بالغ نبودن او را در نظر گرفت. باید با کودک چنان رفتار کرد که احساس کند آراء و نظراتش را به حساب می آورید.

با این وجود، تصور باطلی است اگر خیال کنیم چون به بچه ها احترام می گذاریم، آنها هم به ما احترام خواهند گذاشت. مطمئناً شما هم بسیاری از بالغها را می شناسید که احترام با احترام پاسخ نمی دهند. با این حساب چه جای تعجب که بچه ها، که در مرحله تکامل نیافته اخلاقی خود هستند، احترام را با احترام متقابل پاسخ ندهند.

بنابراین، برای ایجاد حس احترام باید ضمن آنکه به فرزندانمان احترام می گذاریم، از آنها احترام متقابل بخواهیم.

احترام خیابان دوطرفه است. تا احترام نگذارید، احترام نمی بینید.

در ارتباط با فرزندان، احترام متقابل را فراموش نکنید.

۴- سرمشق شوید و درس بدهید :

یکی از مطمئن ترین راههای تربیت فرزند برای رسیدن به استدلال اخلاقی مثبت، سرمشق شدن پدر و مادر است.

با احترام گذاشتن به فرزندان خود الگو و سرمشق می شویم. وقتی به فرزندانمان احترام می گذاریم، در اصل عقیده خود را درباره برخورد درست با اشخاص منتقل می کنیم و به توصیه های خویش عمل می نماییم.

با رفتار خود می توانیم سرمشق دیگران و از همه مهمتر سرمشق فرزندانمان باشیم.
۵- آموزش کلامی :

سرمشق شدن و آموزش دادن با آنکه بسیار مهم است، کافی نیست. فرزندان ما را سرمشق های بد احاطه کرده اند. آموزشهای کلامی به قدر آموزش های رفتاری حائز اهمیت است. کودک هم باید رفتارهای خوب را ببیند و هم دلایل را از زبان ما بشنود. برای اینکه سرمشق شدن تأثیر لازم را داشته باشد، بچه ها باید از ارزشها و باورهایی که در پس منطق پیشنهادی ما نهفته است مطلع شوند. این پنجمین نکته مهم روش تکامل اخلاقی است. با کلام به طور مستقیم درس می دهیم. هم باید به موعظه ها عمل کنیم و هم درباره اعمال خود حرف بزنیم. برای آموزش کلامی نیازی به کامل بودن پدر و مادر نیست. می توانند به فرزندانشان بگویند: «بیشترین تلاشم را می کنم، اما من انسان همه چیزدان نیستم. من هم اشتباه می کنم، شما هم اشتباه می کنید، اما می خواهم تجربه هایم را با شما در میان بگذارم.»

پدر و مادر می توانند بی آنکه در نقش خداوند همه چیزدان ظاهر شوند، نظرات خود را با فرزندان در میان گذارند، می توانند راهنمایی کنند، گوش کنند و اندرز بدهند. با آموزشهای مستقیم ارزشهای مثبت اخلاقی، نظیر ادب، نزاکت، صداقت، محبت و دوستی صادقانه و قبول مسئولیت و غیره، به فرزندان کمک می کنیم به کمک استدلال اخلاقی، اعمال خوب را انتخاب کنند.

۶- به فرزندان خود فکر کردن را بیاموزید:

به فرزندان باید یاد داد که: الف) وقت خودشان را صرف فکر کردن کنند.
ب) خودشان را جای دیگران بگذارند.

کودک به خودی خود به این طرز تلقی نمی رسد. به کمک ما احتیاج دارد تا با تشویق دائم او به فکر کردن و از دریچه چشم دیگران قضاوت کردن او را در راه تکامل کمک کنیم.

دسترسی به استدلال اخلاقی مستلزم تمرین است.

۷- فرزندان خود را به قبول مسئولیت تشویق کنید:

آموزش قبول مسئولیت به فرزندان، اقدامی است که آنها را به جانب دستیابی به استدلال اخلاقی سوق دهد. خواسته هر پدر و مادری است که فرزندان خود را انسانهایی مسئول و شایسته تربیت کنند. اما لازمه تربیت فرزندان مسئول و متعهد

واگذاری مسئولیت به آنهاست و از جمله این مسئولیت ها، مسئول شناختن آنها در قبال خودشان است.

مواظبت از خود و اموالشان، کسب درآمد برای مصارف شخصی با توجه به اقتضای سن و سال، افزایش احساس مسئولیت در قبال دیگران و کمک به رفاه سایر انسانها و بسیاری از مقولات مشابه دیگر را می توان به بچه ها واگذار کرد.

آموزش قبول مسئولیت باید خیلی زود شروع شود. حتی کودک دو ساله هم می تواند در چیدن میز و سفره غذا و یا پهن و جمع کردن دستمال سفره و غیره، کمک کردن را یاد بگیرد. هر چه بچه ها بیشتر کمک کنند به کمک کردن بیشتر عادت می کنند.

وقتی استدلال اخلاقی شان ابعاد وسیع تری می گیرد، وقتی دلیل کافی برای کمک به دیگران پیدا می کنند، عادت کمک و توجه به سایرین در آنها تقویت می شود.

۸- تعادل استقلال و کنترل :

دادن آزادی کلیدی است که درهای زندگی مسالمت آمیز میان پدر و مادر و نوجوان را می گشاید. در تمام مدت رشد از آغاز تولد تا پایان نوجوانی بچه ها هم به استقلال نیاز دارند و هم به کنترل و این یکی از آموزنده ترین توصیه های تربیتی برای بچه ها است.

بچه ها هم در کودکی و هم در نوجوانی به راهنمایی شما احتیاج دارند.

هدف نهایی تعلیم و تربیت فرزند کنترل او نیست. هدف این است که به فرزندان خود کمک کنیم تا بالغ‌های عاقلی بشوند و گلیم خود را از آب بیرون بکشند. می‌دانیم که بچه‌ها خواهان استقلال هستند. بچه‌های دو ساله هم استقلال می‌خواهند. فراموش نکنید که فرزند شما به کنترل هم احتیاج دارد. ایمنی و سلامت کودک کم سن و سال مستلزم کنترل اوست. بسیاری از بچه‌ها به قدر کافی مورد مراقبت و کنترل قرار نمی‌گیرند. استقلال و کنترل در موضوع مهم هستند که برای پرورش و تربیت فرزندان سالم ضرورت دارند.

۹- به کودکان محبت کنید تا تصویر ذهنی مثبت به دست آورند :

محبتی که کودک را در کسب یک تصویر ذهنی مناسب کمک می‌کند با ایجاد احساس ارزش و ارزشمند بودن به او اتکالی به نفس و قدرت می‌بخشد. عشق و محبت، سوای بسیاری از محسنات دیگر، انسانها را به هم پیوند داده. آنها را در مجموعه خانواده انسانی قرار می‌دهد. محبت به فرزندان، ابتدایی‌ترین راهی است که می‌تواند فرزندانمان را در رسیدن به تصویر ذهنی مثبت کمک کند. اما راههای دیگری هم وجود دارد. می‌توانیم به آنها کمک کنیم تا مهارتها و استعدادهايشان را افزایش داده، از کارشان احساس غرور و افتخار کنند که این منبع مهمی از عزت نفس است. می‌توانیم آنها را تشویق به یافتن دوستانی کنیم که آنها را به خاطر آنچه هستند قبول کنند.

می توانیم کیفیات خوب و نقاط قوتشان را که خود توانایی دیدنش را ندارند، به آنها نشان دهیم. می توانیم بیش از آنچه گله و شکایت و انتقاد می کنیم تحسین و قدرشناسی نماییم.

به فرزندانمان محبت و توجه کنید، از آنها حمایت و برایشان وقت صرف کنید تا خود را انسانهای مستقل و شایسته ای ببینند که می توانند روی پای خود بایستند و محتاج تصدیق و تأیید این و آن نباشند.

به آنها کمک کنیم تا احساس عشق و محبت کنند.

۱۰- با تربیت اخلاقی خوشبختی خانواده را بیشتر کنید :

برای تربیت اخلاقی کودکان و رفاه و خوشبختی خانواده، دو اقدام متفاوت لازم نیست. توجه به تربیت اخلاقی و داشتن خانواده خوب و خوشبخت دو روی یک سکه اند. اقدام در هر مورد به هر دو منظور کمک می کند.

با ایجاد توانایی درک نقطه نظرهای دیگران و با کمک به حصول توافقی که نظرات همه را به حساب آورده، به رشد اخلاقی کودک کمک کند.

محیط گرم و صمیمانه خانواده، به بچه ها امکان می دهد تا در زندگی سرمشق های مناسبی پیدا کنند. از ارزشها و سنت ها مطلع شوند و در وقت نیاز از تدابیر حساب شده استفاده نمایند. وقتی کودک خود را متکی و متصل به خانواده احساس کرد،

ناخودآگاه در موقعیتی قرار می گیرد که در برابر فشار هم سن و سالانش مقاومت کند.

تربیت خوب و خانواده صمیمی دست در دست هم حرکت می کند.

پیش به سوی تکامل اخلاقی :

سالهای نخست زندگی و به خصوص سال اول برای رشد اخلاقی اسنان حائز بیشترین اهمیت است. به دلایل زیر:

۱- دوران نوزادی زمانی است که پیوند میان پدر و مادر و فرزند جوش می خورد. هرچه نوزاد را بیشتر لمس کنید و هرچه بیشتر به او برسید و با او بازی کنید، پیوند عاطفی شما با او بیشتر می شود.

۲- با تر و خشک کردن نوزاد، با ایجاد تماس جسمی، یکی از نیازهای اصولی او را برآورده سازید.

۳- اگر نوزاد در نخستین سال زندگی مورد مهر و محبت قرار نگیرد و پیوند عاطفی با مادرش ایجاد نشود، احتمالاً در سالهای بعد، توانایی مردم دوستی را از دست می دهد.

۴- با رفع نیازهای سال نخست زندگی نوزاد به او اطاعت از دستورات پدر و مادر را می آموزد.

۵- با توجه به نوازده، پیوندی عاطفی ایجاد می کنید که در اثر آن اعتماد به نفس و استقلال فرزندان افزایش یافته، توانایی او را در ارتباط با سایرین و حساسیت به نیازهای آنها بیشتر می شود.

۶- با فراهم آوردن محیطی صمیمی خانوادگی و اجتماعی به یادگیری کودک و کنجکاوی او کمک می کنید تا در مراحل بعد بهتر بتواند مراحل رشد اخلاقی را بیاموزد.

عشق و محبت چراغ رشد انسان را روشن می کند. اگر فرزندان خوب و شایسته می خواهید باید با مهر و محبت شروع کنید. در ضمن یادتان نرود محبت به کودک درس اطاعت است.

دروغ

«اگر دروغ بگویی کسی حرفت را باور نمی کند»
درک ارزش اعتماد و اطمینان به کودک کمک می کند تا اهمیت صداقت و حقیقت گویی را درک کند. در اصل میل به راضی کردن دیگران سبب می شود که بچه ها دروغ بگویند تا بروز حادثه ای را از شما پنهان سازند.

ترس از عصبانیت شدن پدر و مادر مهمترین علت دروغ گویی است. بنابراین اگر می خواهید فرزندان با شما صادق باشد، سعی کنید ترس او را از عصبانیت شدن خود به حداقل برسانید.

می توانید از این پیشنهاد استفاده کنید:

«چیزی مهمتر از اعتماد متقابل میان پدر و مادر و فرزند وجود ندارد. تنها در این

صورت است که می توانیم به یکدیگر ایمان داشته باشیم.»

آنگاه برای تخفیف عامل ترس به فرزند خود بگوئید:

«وقتی کاری کرده ای که نباید می کردی و می ترسی اگر به من بگویی عصبانی می

شوم، پیش من بیا و بگو: اگر عصبانی نمی شوید می خواهم مطلبی را به شما بگویم

... با شنیدن این جمله می فهمم که نباید عصبانی بشوم. البته، بسته به شدت کار

خلافی که کرده ای خودت باید فکری به حالش بکنی. اما من قول می دهم که عصبانی

نشوم. اگر راستش را بگویی به داشتن فرزندى چون تو افتخار می کنم.»

توجه داشته باشید بی تفاوت گذشتن از دروغ گویی هم کار درستی نیست. گاه

مجازات منصفانه و در حد تناسب کودکى که دروغ گفته لازم است و گاهی هم یک

عذرخواهی ساده کفایت می کند. نکته مهم این است که باید در هر شرایط بر خویش

مسلط بوده، آرامش خود را از دست ندهید و فراموش نکنید که کودک را به خاطر

حقیقت گویی تشویق کنید.

داستان پردازی بیش از حد نشانه آن است که کودک از احساس شدید بی کفایتی و

ناتوانی رنج می برد. این کودکان به توجه بیشتر پدر و مادر برای یافتن راههایی که

در برابر همسالان خود سربلندتر از آنچه هستند شوند، نیاز دارند. (کسب مهارتی که

اسباب تحسین دوستانش را فراهم کند نمونه ای است که می توان به آن اشاره کرد.)
به همین شکل کودکانی که مرتب از دوستانشان به دروغ حرفهایی می زنند و آنها را
به بدی و بی عرضگی و امثال آن متهم می کنند، احتمالاً از سوی دوستانشان آن طور
که باید به بازی گرفته نمی شوند و از اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند.

تنبيه

آیا تنبيه کار درستی است؟

قبل از هر کار، تأديب پشت سرهم کودک به هیچ وجه درست نیست.
تأديب به این شکل، نوعی تنبيه بدنی است و اتکا به تنبيه بدنی راه مناسبی برای
پرورش اخلاق کودک نیست. اگر بخواهیم کودکان ما به جای منطق و بحث و استدلال
به قدرت زور بازو متوسل شوند، قبل از هم خود ما باید آن را رعایت کنیم.
از آن گذشته، تنبيه بدنی به احترام متقابل میان پدر و مادر و فرزند منجر نمی شود.
تنبيه به رشد فکری کودک هم کمک نمی کند. نه به کودک می گوید چرا رفتارش
ناپسند بوده و نه راه درستی به او نشان می دهد. کودک رد این شرایط از نقطه نظر
کسی هم که اسباب رنجش او شده باخبر نمی شود و به جای احساس تأسف برای
رفتاری که داشته، به حال خود تأسف می خورد. تأديب کودک در مواردی می تواند
به تربیت کودک کمک کند.

با اعمال زیر بدون نیاز به تنبیه بدنی کودک خود را در جهت تکامل اخلاقی تربیت کنید.

(منظور از تنبیه بدنی در حد روی دست زدن کودک است نه تنبیه شدید جسمانی)

۱- تأدیب، در حد زدن روی دست بچه نوعی اعمال حاکمیت پدر و مادر است، هرچند که بهترین راه تربیت او نیست. مثلاً زمانی که کودک به پدر و مادر دهن کجی می کند و یا اینکه به همبازی هایش کتک می زند، تنبیه بدنی مختصر او بهتر از ایستادن /// کردن است. بی تفاوتی نسبت به اعمالی از این قبیل احتمالاً کودک را به این صرافت می اندازد که مقررات اگر هم وجود دارد، رعایت نکردنش آن قدرها مهم نیست.

۲- گاه تأدیب، کودک را از رفتار ناپسندش آگاه می کند. گاه در حکم سطل آب سرد است.

۳- تأدیب در بسیاری از موارد بیش از کودک به پدر و مادر کمک می کند. بدین شکل که پدر یا مادر با تنبیه کودک در اصل عصبانیت خود را فرو می نشانند و فضای ارتباطی بهتری حاکم می شود. به استناد پژوهشی که اخیراً صورت گرفته، پدر و مادری که گاه کودکان خود را تأدیب می کنند، به قدر سایرین که هرگز از روش تأدیب استفاده نمی کنند، غرولند و فریاد نمی کنند. بنابراین از این دیدگاه، تأدیب به کودک هم می کند.

۴- تأدیب گاه به اصلاح رفتار به خصوصی منجر می شود. اگر پشت سرهم و بیش از اندازه مورد استفاده قرار نگیرد، جواب بازتاب خوبی برای کمک در پی خواهد داشت. به اتاق خود فرستادن :

شما هم مانند اغلب پدر و مادرها، احتمالاً طی روز به لحظاتی می رسید که کاسه صبرتان از شیطنت های کودکان لبریز می شود و می بینید دیگر تحمل رفتار او را ندارید. هر کاری کرده اید فایده ای نداشته است. اینجاست که اگر بخواهید می توانید کودک را به اتاق خودش بفرستید تا دقایقی را تنها بماند. به کودک بگوئید هر وقت که رفتارش را اصلاح کرد می تواند به جمع بقیه بپیوندد.

به اتاق فرستادن مشروط، از این امتیاز برخوردار است که به کودک انگیزه اصلاح رفتارش را _____ می دهد. هرچه سریع تر در رفتار خویش تجدیدنظر کند، زودتر به جمع بقیه برمی گردد.

استقلال

نخستین گام به سوی استقلال :

۱- مانع کنجاوی سالم نشوید :

بی خطرکردن محیط زندگی کودک (جمع آوری اشیاء خطرناک و غیره) یکی از راههای به حداکثر رساندن آزادی عمل و کنجاوی اوست. هرچه در این زمینه بیشتر

دقت کنید، هرچه فضای سالمتر و ایمن تری به وجود آورید به محدودیتهای کمتری نیاز خواهید داشت و به همین اندازه امکان سیروسیاحت مورد علاقه کودک تازه به راه افتاده را بیشتر خواهید کرد.

۲- محدودیتها را آموزش بدهید :

کودکان تازه به راه افتاده در مرحله یادگیری همه جانبه هستند، دنیای خویش را نظام می دهند و قوانین حاکم بر آن را پیدا می کنند، قوانین طبیعی را کشف می کنند، دستور زبان را یاد می گیرند، قوانین اخلاقی را کشف می کنند و خلاصه آنکه کودک در همین ایام که زمان یادگیری است باید با محدودیتها آشنا شود و از طرز کار نظام جهان مطلع گردد. آشنایی با محدودیتها او را در این امر یاری می دهد و چه بهتر که شما وسیله این آشنایی شوید.

لازمه رسیدن به این اصل مداومت پدر و مادر است.

در آموزش محدودیتها به گفتن کلمه نهی «نه» اکتفا نکنید. دلیلش را هم بگویید. برای مثال :

اگر کودک شما دُم گربه را می کشد، به او بگوئید: «نه، نباید دُم گربه را بکشیم.»
(قاء _____ ده)

دردش می آید. (دلیل)

دلیل آوردن برای بچه ها باید عادت شود. وقتی برای آنها دلیل می آورید، استدلال منطقی درست و غلط را آموزش می دهید. با صحبت از دلیل و منطق، در اصل می گویند او در نظر شما انسانی باشعور است و با این کار به او احترام می گذارید.

۳- پیشنهادی دیگر بدهید :

راه دیگر این است که در ازاء منع آنها از انجام هر کار، کار دیگری را متقابلاً به آنها پیشنهاد کنیم. یا اینکه رفتار مورد انتظار را عملاً به کودک نشان دهید.

۴- توجه کودکان را جلب کنید.

۵- در صورت امکان رفتار بد کودک را نادیده بگیرید :

مثلاً می توان از کنار بداخلاقی و غروند فرزند تازه به راه افتاده بی تفاوت بگذرید. به طوری رفتار کنید ه انگار متوجه بدخُلقی او نشده اید. وانمود کنید ککه به کاری سرگرم هستید.

۶- در صورت لزوم جریمه ای برای بد رفتاری در نظر بگیرید :

اما این جریمه باید منطقی باشد. باید در صورت امکان ارتباط روشنی میان رفتار بد کودک و نتایج ناشی از آن وجود داشته باشد.

در ارتباط با کودکان تازه به راه افتاده، سه مجازات منطقی و مناسب به نظر می رسد. نخستین آن سرزنش است. سرزنش مجازات منطقی است که برای تأثیر سرزنش، تکرار پشت سرهم آن درست نیست. با تکرار، تأثیر سرزنش از دست می

رود. اما هنگام سرزنش باید به قدر کافی جدی باشید تا کودک بداند که با او شوخی نمی کنید.

نوع دیگر مجازات محروم کردن است. و نوع دیگر مجازات از میان جمع بیرون بردن کودک، هم گاه مجازات مؤثری است.

۸- از کتک زدن بپرهیزید:

کتک زدن عادت می شود و ضمن آنکه تأثیرش را از دست می دهد، روی رابطه شما با فرزندان تأثیر نامساعد گذاشته و به احتمال زیاد به رشد اخلاقی او لطمه می زند.

۹- رفتارهای خوب را تشویق و تقویت کنید. تا ضمن تربیت کودک، روابط بهتری میان او و شما به وجود آید.

۱۰- برای رفتارهای ناپسند کودک مجازات منطقی در نظر بگیرید تا بفهمد پاداش بد رفتاری، واکنش ناخوشایند است.

راه کارهای افزایش اعتماد به نفس در کودکان^۱:

بیشتر روان شناسان را باور بر این است که داشتن عزت نفس و محبوب بودن از عوامل بس مهم دلشادی و سازگاری در بچه ها شمرده می شود. کودک در مرحله نخست زندگانی، پیش از این که مفاهیم واژه ها و ترغیب و تنبیه را دریابد، شکل دهی رهیافت ها در مورد ارزش خویش را آغاز می کند. او به طور ذاتی رفتار پدر و مادرش را مثبت و ضبط می کند.

۱- مترجم: آ. امیر دیوانی - منبع american baby

نکته ای که شایان اهمیت بسزایی است، این است که والدین رفتارها و مطالبی را که کودکان ثبت و ضبط می کنند، مهم شمارند. آن چه در پی می آید، اساس و شالوده اعتماد به نفس در کودکان را در سال های اولیه زندگی تشریح و توصیه می کند.

۱- کودکان را نزدیک خویش نگاه دارید.

او را به طرزی نکه دارید که اهمیت ارتباطات را با وی بنمایاند. زیاد متوجه اش باید در دیدگانش خیره شده و تماس چشمی برقرار سازید. به ویژه، لحظه هایی که دارید به او شیر می دهید.

۲- تا سر حد امکان کودک را به حرف بگیریید.

به هنگام صحبت نامش را ببرید. در بند آن نباشید که هنوز معنای کلمه ها را نمی فهمد. کارشناسان رشد کودک، عقیده جدایی دارند که کودکان همانند جوانان از یک ماهگی به صدای پدر و مادرشان گوش می سپارند و حرکات بدنشان را با ضرباهنگ آوای آنان دمساز می کنند. با کودکان آن گونه سخن بگویید که احساس آرامش می کنید. ولی به شیوه ای که لحن صدایتان ملایم و عاطفی باشد. تقریباً در ۵ تا ۶ ماهگی می توانید طریقه حرف زدن او را با تکرار واژه های خودش بهبود بخشید. به وی لبخند بزنید و در آغوشش بگیرید تا پی برد که حرف زدنش را پذیرفته اید.

۳- در برابر گریه کودکان از خود واکنش نشان دهید.

حتی آن زمانی که خاطر جمع هستید پوشک بچه تان خشک و تمیز بوده، به اندازه کافی استراحت نموده و شیر خورده است، بگذارید حس کند که در کنارش هستید. به این ترتیب در مدت کوتاهی قادر می شوید مفهوم اختلاف صدای گریه ای را که کودکتان ایجاد می کند، دریابید. منظور آن است که می توانید تشخیص دهید این صدای گریه او به خاطر تنهایی اش می باشد یا می خواهد بغلش کنید تا آرام گیرد. با نزدیک شدن به بالینش، اعتماد را به وی می آموزید، نگران نباشید که شاید با این عملتان بدعادت و لوس می شود. روان شناسان جملگی برآنند که ممکن نیست کودک در سال های اولیه تولد بر اثر ابراز محبت و مهرورزی پدر و مادر ضایع گردد.

۴- تا آن جایی که در توان دارید شخصیت کودکتان را شناسایی کنید.

ما باید عواملی را که کودکانمان بدان خاطر سروصدا راه می اندازند یا چیزهایی که بیقرارشان می کنند یا اشکالات تغذیه اش را برطرف کنیم. در این صورت می توانیم با کودکانمان ارتباط دلپذیر و مناسب برقرار سازیم. به طوری که حس کند که تمام دنیا را به او دادند.

۵- انجام امور روزانه و نظافت او را مثبت ارزیابی کنیم.

مثلاً هنگامی که پوشکش تمیز و خشک است، به او بگویید چه قدر زیبا دیده می شود و سپس به رویش لبخند بزنید.

۶- به نشانه های غیرکلامی و بدنی کودکتان در ارتباط پی ببرید.

وقتی که او را بغل می کنید، بدنش را سفت می کند شاید می خواهد که وی را به زمین بگذارید. و یا وقتی که به چشمان کودکتان می نگرید، سرش را برمی گرداند. احتمالاً به شما می فهماند که برای مدت زمانی به استراحت احتیاج دارد.

۷- محیط زندگی کودکتان را به شکل دلخواه و زیبایی درآورید.

می توانید به وی وسایل ساده و متنوع بازی بدهید و یا لوازم خانگی ساده و بی خطر را در اختیارش قرار دهید تا بتواند آنها را لمس کند.

۸- به کودکتان یاری کنید تا استفاده از بدنش را فرا بگیرد.

کودک را در بازی های ساده و فعالیتهای که عضله هایش را به کار می اندازد، شرکت دهید.

۹- تقریباً از ۵ تا ۶ ماهگی تدریجاً کودکتان را با آشنایان رو به رو سازید.

۱۰- سلامت روانی خویش را در نظر بگیرید.

هنر قصه و تأثیر آن در تربیت کودکان :

داستان و قصه نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودک دارد. از طریق قصه ها و داستان های خوب، کودک به بسیاری از ارزش های اخلاقی پی می برد.

پایداری، شجاعت، نوع دوستی، امیدواری، آزادگی، جوانمردی، طرفداری از حق و حقیقت و استقامت در مقابل زور و ستم ارزش هایی هستند که هسته ی مرکزی

بسیاری از قصه ها و داستانها را تشکیل می دهند.

پرورش حس زیبایی شناسی در کودک، متوجه ساختن کودک به دنیای که اطرافش را فرا گرفته، پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال طلبیت و خلاقیت کودک هدف های اصلی طرح قصه های خوب برای کودکان است.

انتخاب قصه های مناسب :

مسئله ی انتخاب کردن قصه، با توجه به انبوه موادی که در اختیار قصه گوست، به ویژه برای قصه گوهای تازه کار و مبتدی، مشکلی اساسی است. حتی بهترین و برجسته ترین قصه گوهای حرفه ای هم قادر به گفتن هر داستانی نیستند. قصه گو، قهرمانان خود را از قصه هایی می سازد که با شخصیت خاص و سبک او متناسب باشند. قصه گوی تازه کار، ابتدا باید سعی کند که ویژگی های شخصیت و سبک گویش خود را ارزیابی کند. سپس از خودش بپرسد: چه نوع داستان هایی را می توانم مؤثر و خوب بیان کنم؟ چگونه می توانم شخصیت خود را با قصه هماهنگ کنم تا هر دو بتوانیم با شنونده ارتباط برقرار کنیم؟

پس از آن که قصه گو کار انتخاب کردن را تمام کرد، وارد مرحله ی آماده کردن داستان برای گفتن می شود که از مهم ترین گام هایی است که در جهت به کار گرفتن فن قصه گویی برداشته می شود. قصه گو باید به خاطر داشته باشد که کار او از برکردن یا از روخواندن نیست، بلکه کار او قصه گفتن است که مانند تجربه ای یگانه باقی می ماند.

از برکردن قصه اغلب نخستین مانعی است که راه سیر طبیعی و خودانگیخته ی یک قصه گویی موفق را سد می کند. قاعده ی درست این است که هرگز نباید داستانی را برای «گفتن» به خاطر سپرد، بلکه با توجه به ساختمان قصه، به خاطر سپردن طرح آن کافی است.

انتخاب و آماده کردن داستان، نخستین گام ها در راه پیشبرد هنر قصه گویی است و هنر قصه گویی بر آنها استوار می شود. قصه گویای مبتدی و تازه کار به زودی متوجه می شوند زمانی را که برای رسیدن به این مرحله از رشد سپری کرده اند، سرمایه گذاری مفیدی بوده است.

آماده کردن ذهن و بیان، در ارائه ی موفقیت آمیز یک قصه مهم ترین متغیر به شمار می آید. بدون این انتخاب و آماده کردن بسیار دقیق، قصه گو نباید انتظار به دست آوردن یک تجربه ی موفق را داشته باشد.

منبع : www.ravanyar.com

فرستنده: لیلی پیچ

اکثر بچه ها از درآمدن گلها خوششان می آید. البته بیشتر از ریشه.

مارک تواین

انس و الفت بی حرمتی به بار می آورد، به علاوه بچه.

اف. دبلیو. جونز

سابق بر این پدر مادرها بچه ها را به قصد تربیتشان می زدند امروزه به خاطر دفاع

از خود.

نوئل کاوارد

(وقتی از او پرسیدند در دوران کودکی اش چه جور بچه ای بوده)

وقتی مرتب به من می رسیدند خیل ماه بودم. وقت هایی هم که به من توجه نمی

کردند حسابی خرم می شدم.

آلیس روزولت لانگ وورت

داشتن بچه نوزاد به این می ماند که انسان پیاپوی بزرگی را از پنجره کوچک بالای

در رد کند.

دبلیو. سی. فیلدز

در تمام آمریکا یک مرد پیدا نمی کنید که پنهانی آرزوی زدن بچه ای را نکرده

باشد.

سایمون گری

استیفن: دلایل شما علیه بچه دار شدن چیست؟

سایمون: اولاً جا کم داریم. دوم اینکه بچه ها زندگی پدر و مادرشان را به گند می

کشند، سوم اینکه بعدها زندگی خودشان را هم به گند می کشند و اما چهارم: فایده

آوردنشان به این دنیای هشت الهفت چیست؟ پنجم و ششم و قبل از هر چیز اینکه از بچه خوشم نمی آید. درست شد؟

فران لبوویتس

وقتی از فرزندت بپرس برای شام چه می خواهد که پولش را خودش بپردازد.

جک لولین - دیویس

سیلویا، مادر جک - لولین دیویس وقتی پسرش را دید که آن همه کیک و چای لمبانه است به او یادآوری کرد که: «اگر فردا مریض نشدی!» و او در جواب گفت:

اگر همین امشب مریض نشدم!

کاندیامک ویلیام

با تولد هر بچه دو رمان از دست می دهی.

هارولداس. هالبرت

کودکان نیازمند عشق و محبت اند، به خصوص وقتی که سزاوار آن نیستند.

فرستنده: آر. جی. هانت

آدمهایی که می گویند مثل بچه آرام می خوابند معمولاً بچه ندارند.

جوزف هلر

دلم می خواهد وقتی بزرگ شدم پسرک کوچولویی باشم.

سخنان بزرگان در مورد کودک^۱:

آدمی باید در پنج خصلت با کودکان شرکت داشته باشد. یکی آنکه همچون کودکان غم روزی نخورند و دیگر چون بیمار شوند از عذاب ننالند و گله نکنند و آنکه هر طعامی داشته باشند با یکدیگر بخورند و چون با یکدیگر نزاع کنند در دل نگاه ندارند و زود آشتی کنند و با اندک چیزی راضی و خشنود گردند.

(بزرگمهر)

آنکه اشکهای یک کودک را نخشکاند خود خواهد گریست.

(مثل آفریقایی)

اطفال بالطبع مایلند مانند والدین خود باشند و هر کاری را که آنها بکنند انجام دهند.

(ویلیام کویتا)

اگر به بچه کمی محبت نشان بدهید وی صد چندان به شما مهر خواهد ورزید.

(جان (وسکن)

هر روزه سرگرم شدن یک بچه بیشتر از آنچه برای تربیت و بزرگ شدن پدرش خرج شده است تمام می شود.

(هربرت پروشائو)

۱- کتاب رهنمون سخنان بزرگان، مشاهیر و نوابغ جهان به کوشش غلام حسین ذوالفقاری، بخت حسین خسروی،

با کودکان باید نرمی و درشتی را با هم به کار ببریم و نه اینکه همیشه مانع آن شویم که از راهی که می خواهند بروند. اگر از اینجا و در دسر برای خود در ملامت کردن آنان چشم پوشیم. در آن هنگام که بزرگ شوند، مایهٔ در دسر ما خواهند شد. ولی به هر قیمت هست به زحمت می توانید دوباره آنها را به چنگ آورید.

(پرپون)

نگذارید بچه ها گریه کنند زیرا باران هم غنچه ها را ضایع می کند.

(ژان پول)

نمی توانید به کودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند مگر آنکه او را بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد ممکن است اشتباه بکند ولی دانا از میان همین اشتباهات بیرون می آید.

(ه - ویپر)

هیچ چیز مثل بدبختی کودکان را ساکت نمی کند.

(هوگو)

هیچ رنجی بالاتر از رنج کودکی نیست که برای اولین بار طعم ظلم و قساوت را چشیده باشد.

(رومن دولان)

بهترین دوره زندگی ما روزگار طفولیت است و همین که از آن گذشتیم وارد بدترین مراحل حیات می شویم.

(هوک)

پدران و مادران دوره اول زندگی بچه هایشان را صرف آموختن را رفتن و صحبت کردن آنها

می کنند و بقیه دوران کودکی کارشان این است که آنها را بنشانند ساکتشان کنند.

(رابت تالز)

خطاهای کودکان بر گردن والدین است.

(مثل آفریقای)

در هر بچه یک معماری حیرت بخش زدن است.

(شویان)

فرزند بر مثل انگشت ششم است. اگر ببرندش رنج دارد و اگر نگاهش دارند زشت نماید.

(نوذر شهریار)

قبل از آنکه یک کودک را کتک بزنیم یقین پیدا کرده باشید که خود سبب خطای او نبوده اید.

(اوتیسن اومالی)

کاش حیوان و یا کودک بودم که آینده را نمی دیدم و گذشته را یاد نمی کردم و فقط به حال توجه داشتم و خوش بودم.

(لابروید)

کودکان یاد گذشته را نمی کنند و به فکر آینده هم نیستند. دم را غنیمت شمرده و آن را به خوبی طی می کند در بین سالمندان بسیار معدودند افرادی که این چنین رفتار می کنند.

(لابروید)

کودکان عموماً بیکاری را دوست ندارند. بنابراین تمام توجه شما باید معطوف بر این باشد که این خصلت مشغله دوستی ایشان در چیزی صرف شود که به سود ایشان باشد.

(لاک)

کودکان به نمونه و سرمشق پیش از انتقاد نیازمندند.

(ژوبر)

نظریه بزرگان در مورد کودکان :

بازی مهمترین عامل اجتماعی شدن کودک :

کودک در هنگام بازی، درباره فرهنگ و اجتماع خویش، آگاهی کسب می کند و از این طریق خوب یا بد بودن اعمال خود و دیگران را می آموزد، زیرا بازی فعالیتی خشنود

کننده است که کودک خودش آن را تنظیم و اجرا کرده و از آن طریق زندگی را درک می کند.

دکتر بهروز بی رشک، روان شناس در گفتگو با خبرنگار ایکانیوز با بیان این مطلب افزود:

بیشتر مهارت های گفتاری، اجتماعی و شناختی را با بازی به کودک می آموزد. بازی می تواند کاملاً طبیعی (مانند: دویدن، پریدن)، یا فکری (مانند: حل کردن یک منما) و یا خلق اثری (مانند: نقاشی) باشد، بدین گونه بازی در همه جنبه های رشد از قبیل رشد شناختی، جسمی، عاطفی و اجتماعی بر رشد کودک اثر می گذارد.

وی گفت: اگر کودکی را در جریان بازی مشاهده کنید، می بینید که چگونه به طور جدی و باعلاقه در تلاش است، در هنگام بازی کودک فکر می کند، برنامه ریزی می کند و چیزها را با چیزهای دیگر مقایسه می کند، برنامه ریزی می کند و باعلاقه در تلاش است، در هنگام بازی کودک فکر می کند، برنامه ریزی می کند و چیزها را با چیزهای دیگر مقایسه می کند، قوای فکری خود را نیز به کار می برد.

می اندازد. بی رشک خاطر نشان کرد:

کودک تمام مدت بازی، در یک محیط ثمربخش به افزایش تجربه خود می پردازد.

بهروزی بی رشک اظهار داشت: یکی از علل رو به رو شدن فرزندان طبقات کم درآمد با مشکلات یادگیری پس از ورود به مدرسه، این است که این کودکان، کمتر بازی هایشان متنوع و پیچیده بوده است.

این روان شناس تصریح کرد: بازی ها در اجتماعی شدن کودک نقش مهمی دارند. در بازی ها، کودکان ارزش های جامعه را درک می کنند و مفاهیم همکاری، شکست، پیروزی و برتری طلبی را درک می کنند و رشد می یابند.

نظریه دانشمندان در مورد بازی :

۱- مارگارت لوون فلد در کتاب (بازی در کودکی) نکات خیل جالبی مطرح کرده است. که مجموعه جامعی از مشاهدات وی در مورد رشد بازی در کودکان می باشد. او همانند مربیان دیگر بیان می کند که بازی یک جنبه خارجی نزدیک جنبه داخلی تر دارد. از این رو برحسب اینکه روی فرم خارجی تر یا داخلی تر تأکید شود طبقه بندی بازی متفاوت خواهد بود.

لوون فلد بازی را به ۴ قسمت تقسیم می کند:

۱- بازی به عنوان فعالیت بدنی که اولیه ترین فرم بازی است.

۲- بازی به عنوان ادراک تجربه بدست آمده در سال های قبلی.

۳- بازی به عنوان نمایش تخیلات که به سختی رویاهای بازی را به عنوان ادراک درونی دنبال می کند و آن را همراهی می نماید: تجربه باعث تخیل می شود و تخیل، تجربه را تفسیر می کند.

۴- سرانجام بازی به عنوان ادراک محیط ، با هدف تبیین جهت گیری جدید.
(در سالهای ۵ و ۶ سالگی)

۲- سهم دیگری در مطالعه بازی در کودکی به روت گری فیتز^۱ تعلق دارد. به باور وی بازی احتمالاً ممکن است به طور اتفاقی در خدمت مقاصد بیولوژیکی باشد. بازی دقیقاً به تخیل مربوط است. تجربه ذهنی تخیل به صورت بیان فعال بدو^۱ در شکل بازی انجام می شود. بدین وسیله کودک یاد می گیرد. بر بیشتر موانع غلبه نماید و رابطه بهتری با محیط برقرار کند.

وی در تحقیق مشروح خود (افکار تصویری یا تخیلات کودکان ۵ ساله در لندن و بریسبان^۲) بیان می کند که شیوه تفکر خاص کودکان کم سن تصویری^۳ است.

نتایج کارش نشان می دهد که او می تواند از طریق مشاهده و به کمک تمرین است تصویری کودکان را ترغیب نماید که افکارشان را آزادانه با حرف و یا با عمل بیان نمایند و آن ها را قادر می سازد که رویاهای روزشان یا تخیلاتشان را به طوری منظم بیان شوند مطرح سازند. وی دلایلی ذکر می کند که از این حقیقت که «کنش

۱- Ruth Griffiths

۲- Brisbane

۳- Imagination

تخیل^۱ برای رشد عاطفی و عقلانی

مهم می باشد.»

سوزان ایساگز می گوید: که بازی ارادی کودک شامل عناصر ضروری برای آموزش

و پرورش در سال های اولیه کودکی است. گرچه مشکل است که در هر لحظه ای فرم

فعالیت بازی را مشخص نمائیم. اما می توان گفت که بازی تعاملی از سه فرم فعالیت

به شرح زیر است:

اولاً: بازی به کودک کمک می کند که از نظر بدنی مهارت ها و کنترل عضلانی توانا تر

شود.

ثانیاً: بازی به دنیای فیزیکی اطراف کودکان مربوط می شود و آنان را وادار می کند

که با طرح سؤالات متعدد نیروی استدلال خویش را توسعه بخشند و سرانجام بازی

تخیلی که نه تنها وسایل ارضاء امیال ناکام شده کودک را فراهم می سازد و تنشهای

درونی او را تسکین می دهد. بلکه همچنین به کودک کمک می کند که روابط پدیده ها

و اشیاء را در محیط خود بفهمند.

او درباره بازی تخیلی^۱ یا بازی وانمودسازی^۲ توضیح مفصلی می دهد تا اثبات نماید

که بازی وسیله مهمی در رشد عقلانی کودکان کم سن می باشد. بازی به منزله پلی

است که کودک از طریق آن می تواند به ارزش های سمبولیک محیط خود دسترسی

۱- Fancion of fantasy

۲- Imaginative

۳- Make _ believe

یابد و برای بررسی ساخت واقعی ارزش ها و پیدا کردن راه موقت کار کردن فعال گردد.

پیاژه نخستین بازی را بازی تمرینی^۳، دومی را بازی سمبولیک^۴ و سومی را بازیهای با قاعده^۵ نامگذاری کرده است. نخستین بازیهای که ظاهر می شوند بازیهای تمرینی هستند که از مرحله حسی - حرکتی شروع به ظهور می کنند و در تمام مراحل دیگر نیز ممکن است دیده شوند. بازی های اولیه طفل از این نوع باشد و نیازی به تفکر ندارد.

دومین نوع بازی ها موسوم به بازیهای سمبولیک است که با بازیهای نوع اول تفاوت دارند و مستلزم تفکر می باشند و بر مقایسه ذهنی عنصری محسوس و عنصری تصویر دلالت می نماید. این بازی ها همچنین نشانگر تجلی وانمودسازی نیز می باشند.

به عنوان مثال: یک کودک جعبه ای را در مسیر هل می دهد و در این موقع جعبه را به عنوان یک ماشین تصور می نماید و در واقع جعبه سمبولی از ماشین می باشد. بازی های سمبولیک می توانند فردی و یا اجتماعی باشند و اغلب مشکل است فردی و یا اجتماعی

۳- Practice games

۴- Symbolic _ games

۵- Games with rules

بودن آن‌ها را تمیز دهیم. کودک کم سن می‌تواند کنار کودک دیگر، بدون بازی کردن با او بازی کند. یا از طرف دیگر، یک کودک ممکن است به تنهایی با همبازی تصویری خود به بازی بپردازد. ساخت بازی سمبولیک طوری است که کودک یا به طور فردی و یا اجتماعی به بازی ادامه می‌دهد.

سومین نوع بازی، بازی‌ها با قاعده می‌باشند. این نوع بازی‌ها بر روابط اجتماعی دلالت می‌نمایند. قواعد بازی توسط گروه تعیین و تحمیل می‌شوند و از کودکی به کودکی دیگر منتقل می‌گردند و کودکان ناگزیر هستند از قواعد معینی تخلف ننمایند. محتوای بازی ممکن است تغییر نکند (برای نمونه توپ یا تعدادی تپله باشد). اما ساخت بازی وقتی قواعد بر بازی اضافه شوند و پذیرفته گردند، تغییر می‌کند. ممکن است این سه نوع بازی روی یکدیگر اثر متقابل داشته باشند. یک نوع بازی ضرورتاً جایگزین بازی دیگری نمی‌شود. اما ممکن است به صورت غالب جلوه نماید. به طور مثال:

در بیشتر بازی‌های سمبولیک ممکن است عنصری از بازی تمرینی مرحله حسنی - حرکتی دیده شوند. مثل موردی که کودک به اطراف اتاق می‌دود و سروصدا راه می‌اندازد و می‌گوید:

«من یک هواپیما هستم» کودک در این حالت به طور سمبولیک بازی می نماید و بازی

نوع دوم بازی غالب می باشد و در طبقه بندی سمبولیک جای می گیرد.

۳- طبقه بندی جالب دیگری با توجه به ساخت بازی توسط شارلوت بوهرل^۱، انجام

گرفت. بوهرل بازی کودک را در ۵ مرحله تقسیم بندی می نماید.

۱- بازی های کنشی (حسی - حرکتی)

۲- بازی های وانمودسازی

۳- بازی های انفعالی (نگاه کردن به تصویر یا شنیدن داستان ها و ...)

۴- بازی های ساختمانی

۵- بازی های جمعی

در بیشتر موارد بازی های ه گانه بوهرل با مراحل بازی پیازه مطابقت دارند و تنها در

مورد

بازی های ساختمانی مطابقتی مشاهده نمی گردد.

شارلوت بوهرل نکات جالب توجهی ابراز می دارد و به نگرش کودک بر مواردی که با

آنها بازی می کنند انتشار کرده است و می گوید: کودک ۶ ساله به قدر کافی در بازی

پیشرفت کرده است و می تواند بر مواد مسلط شود و چیز جدیدی بسازد و می داند

که می خواهد چه بسازد و به نحوی برای ساختن موضوع مورد تمایل، مشغول می

گردد. این یک مرحله معین از رشد است و بایستی قبل از اینکه کودک آماده مدرسه

۱- Charlotte Buhler

رفتن شود، از آن گذر کند. تأثیر تجاربی که کودک در این مرحله می اندوزد در مدرسه مشخص می گردد.

مواردی را که کودک قبلاً برای بازی تخیلی نظیر استفاده از یک چرخ، بکار می برد، بعد از این مرحله از رشد، اغلب برای مقاصد بازی مورد استفاده قرار می دهد. تمام کودکانی که از نظر سلامت طبیعی هستند این میل برای ساختن برخی چیزها نشان می دهد و این نکته مورد نظر شارلوت بوهرلر را تأیید می نماید.

لوون فلد می گوید: کودکان محروم از فرصت های مناسب برای بازی ساختمانی کودکانی هستند که از نظر تصور ساختمانی به طور ناقص رشد می کنند و تجراب لازم را نمی اندوزند.

نظریه های بعدی در مورد گزل است. او در کتاب «کودک از ۵ تا ۱۰ سالگی» یک فصل را به بازی و سرگرمی اختصاص داده است که به چند نکته اشاره می کنیم.

گزل علایق کلی کودکان را به بازی بیان می کند و به بازی به عنوان تمرین مقدماتی فعالیت های جدی بزرگسالی می نگرد. او می گوید: کودک در بازی تمرکز شدیدی خواهد داشت و از این تمرکز رضایت خاطر عاطفی زیادی نصیب او خواهد گشت.

عمیقاً به نظر می رسد که بازی جذاب برای رشد ذهنی کودک ضرورت دارد. گزل همچنین ادعا می کند که کودکان باهوش ممکن است سن عقلی بالایی نشان دهند اما در بازی های دلخواه، به احتمال زیاد مطابق سن تقویمی خود بازی می کنند. او

توانست خطر سرگرم شدن کودک را بوسیله رادیو، فیلم و تلویزیون پیش بینی کند و ادعا کرد که با این سرگرمی ها کودکان از زمان کافی و فضای مناسب برای بازی های دلخواه خود به خودی محروم می شوند. بازی از یک منطق مبتنی بر رشد برخوردار است که ضروراً با تصدیق بلا تصور ما جور در نمی آید.

هلن پارک هورست^۱ در کتابش «جستجوی دنیای کودک» روشی را تشریح می دهد که به وسیله آن می توان کودکان را یاری نمود تا درباره خودشان و مشکلاتشان صحبت کنند. نامبرده صحبت های کودکان را ضبط کرده و سپس از آن ها به عنوان برنامه رادیویی معروف به دنیای کودک استفاده می نمود. در این برنامه موضوعات متعددی مورد بحث قرار می گرفت که در میان این موضوعات بخشی نیز درباره ی همراهان تخیلی کودکان وجود داشت. به نظر می رسد همراهان تخیلی کودک بایستی شخص، حیوانات یا حتی یک شیء باشد. این همراهان از طریق تجربه کودک ساخته می شوند و بدین وسیله کودکان آرزوها و رویاهایشان را بیان می کنند. همراه دارای شخصیتی است که کودک دوستش دارد. مثل آن باشد و آرزوها و نیازها خود را به کمک آن برآورده سازد و در نتیجه گیری پایان فصل کتابش، درباره ی این موضوع

ج_____ ذاب

می گوید: «تصور کودک موجب لذت وسیله ابراز احساسات است.» والدین بایستی به

۱- Helen Park hurst

جای نگرانی، احساس شادی کنند که کودک دارای این قدرت خلاق است و این تخیلات

کودک بایستی به عنوان گنجینه ذهنی و منبع غنی زندگی بنگرند.

«بیانیه کنفرانس I.C.C.P، برایتون که به اتفاق آراء مورد تأیید قرار گرفته است.»

در مورد نیاز کودک به بازی روی موارد زیر باید تأکید شود:

۱- رشد جسمانی و سلامت بدنی

۲- ثبات عاطفی و سلامت روانی

۳- نمو عقلی و سلامت روانی

۴- دوستی و تشریک مساعی بین کودکان

نکات علمی:

۱- با کودکان ارتباط شخصی مثبتی ایجاد کرده، به زندگی خانوادگی بها دهید.

۲- به کودک کمک کنید تا تصویر ذهنی مثبتی ایجاد کند.

۳- به کودک کمک کنید تا به توانایی های خود پی ببرد.

۴- به کودکان خود بیاموزید که از تحقیر کردن دیگران بپرهیزد.

۵- ارزشهای اخلاقی را آموزش دهیم.

۶- تأمل در گفتار را بیاموزیم.

۷- به او کمک کرده تا خود را بهتر درک کند. (اگر بچه ها بدانند که کدام احساس آنها

را به سازگاری با دیگران مجبور می کند، بهتر می توانند مستقل زندگی کنند.)

۸- به آنها بیاموزیم محبوبیت همه چیز نیست.

در یافتن دوست، فرزندانمان را یاری کنیم.

۹- فرزندان خود را تشویق به صحبت کردن کنیم.

سرگرم شدن با کودک بهترین مکالمه ای است که می توان ایجاد کرد.

بهترین موقع صحبت وقتی است که بچه ها از مدرسه برمی گردند و زمانی که

عصرانه ای برای آنها درست می کنیم در حال خوردن عصرانه با آنها صحبت کنیم.

درباره ی دوستان تازه ای که پیدا کرده اند و ...

نکته مهم این است که: ارتباط کلامی خوب خود به خود به وجود نمی آید. زمینه می

خواهد و صرف وقت با بچه ها زمینه ساز مهمی است.

۱۰- پیرسید به چه موضوعی علاقه مند هستند.

۱۱- برای شروع صحبت ابتدا می توان از آنها نظرخواهی کرد و حتی می توان موقع

خواب با آنها صحبت کرد.

۱۲- شنونده خوبی باشید (با گوش دادن به صحبت های ما به درون افکار و احساسات

مانند

می کنند). برای اینکه شنونده خوبی باشیم به نکات زیر توجه کنیم:

۱- با تمام وجود گوش کنیم.

۲- از قطع صحبت خودداری کنیم.

۳- اگر وقت گوش کردن را ندارید، زمان دیگری را مشخص کنید.

۴- احساسات آنها را تصدیق کنید.

۱۳- فضای مناسبی برای ارتباط ایجاد کنید بدون روش سربازخانه ای (دستور دادن

و امر و نهی کردن) بدون تهدید، تحقیر، سرزنش.

۱۴- پیاژه در کتاب خود به نام «قضاوت اخلاقی کودک» از رشد تفکر اخلاقی کودک

که از ۳ فاز یا سه مرحله برهم منطبق تشکیل می شود، صحبت کرده که مرحله اول

را «اخلاق بی انعطاف» نامید و معتقد بود که برای کودک در این مرحله، قانون و

مقررات بزرگترها، مطلق و بی چون و چرا هستند. مرحله دوم را «اخلاق تعاون و

همکاری» توصیف کرد و معتقد بود که کودک در این مرحله از رشد، اخلاق را در

انصاف و تساوی و برابری می بیند و بالاخره مرحله سوم رشد اخلاقی به اعتقاد

پیاژه «تساوی متقابل» بود.

۱۵- با استدلال کودک محترمانه رفتار کنید.

۱۶- با پی بردن به موقعیت استدلال کودک، نظر خودتان را هم بگویید.

۱۷- محدودیتهای استدلال فرزند خود را پیدا کنید.

۱۸- برای اینکه با کودک صحبت خوبی داشته باشید باید ورزیدگی در طرح سؤال

داشته باشید. یعنی «سؤال به جای گفتن». به جای اینکه کودک را مستقیماً به خاطر

رفتارش سرزنش کنید. لحظه ای تأمل کنید و جملات زیر را به شکل سؤال طرح
نمایید.

بپرسید

به جای گفتن ...

۱- وقت رفتن است، کفش و لباس را بپوش. ۱- وقت رفتن است، چه باید

بکنی؟

۲- اگر بر سر تماشای برنامه تلویزیون به ۲- اگر بر سر تماشای برنامه

تلویزیون به

توافق نرسید، آن را خاموش می کنم. توافق نرسید، چه اتفاقی می

افتد؟

۳- اتاق جای توپ بازی نیست، چیزی را ۳- چرا نباید در اتاق توپ بازی کنید؟

می شکنید.

۴- ابدأ در کارها کمک نمی کنید. ۴- آیا در کارها به من کمک می کنید؟

۵- مواظب رفتارت باش. ۵- چه باید می کردی؟

۶- از خواهرت عذرخواهی کن و قول بده که ۶- اگر کسی را بیازاری،

چه باید بکنی؟

دیگر او را نرنی.

۷- کمی از آب نباتها را به برادر کوچکت بده. ۷- ببینم، اگر برادرت آب نبات بخورد

و به تو ندهد، چه احساسی پیدا می

کنی؟

۸- جیغ کشیدن موقوف. ۸- به جای جیغ کشیدن چه باید بکنی؟

۹- موقع عطسه دستت را مقابل بینی ات بگیر. ۹- موقع عطسه چه باید بکنی؟

۱۰- کاری را که از تو خواستم انجام ندادی. ۱۰- آیا کاری را که از تو خواستم

انجام دادی؟

۱۱- جنگ و دعوا بس است، به نوبت بازی کنید. ۱۱- چگونه می توانید این مسئله را

حل کنید؟

پس از تمرین، خواهید دید که پرسش و طرح سؤال شیوه ای بسیار مفید در برخورد

بچه هاست.

۱۹- بر سر تعهدات خود باشیم.

نکات پیشنهادی برای پرورش خلاقیت و رفتار خلاق در کودکان :

۱- در گزینش و سازمان دهی برنامه ریزی آموزشی به تجارب اصیل، سیال و

انعطاف پذیر که در اصل دربرگیرنده سه اصل خلاقیت است، بیشتر توجه کنیم (با

توجه به تجربیات آموختنی و سازمان دهی این تجربیات).

- ۲- سئوالات «غریب»، «غیرمعمول» و «عجیب» کودکان را نباید نادیده گرفت.
- ۳- سعی کنید در همه فکرها نکات مثبت را بیابید. به فکرها، سئوالات، برچسب «احمقانه»، «بد» و «نامربوط» نزنید که باعث می شود کودکان سئوالات بهتری مطرح سازند.
- ۴- بهترین روش این است که سئوالات «احمقانه و نامربوط» با مطالبی از سوی خود شما دنبال شود و از یاد گیرنده بخواهید در مورد مسئله بیشتر فکر کند.
- ۵- به طور منظم به خلاقیت کودکان خویش پاداش دهید. بسیاری از کودکان نشان داده اند که با دریافت پاداش برای فعالیتهای خلاقانه، رفتار خلاقه شان افزایش یافته است.
- ۶- از کودکان خویش انتظار خلاقیت را داشته باشید و آن را طلب کنید.
- ۷- از نظر نمره و امتیاز به «خلاقیت» باید امتیاز اضافی داد.
- ۸- برای رفتارهای خلاق الگو نشان دهید.
- ۹- آموزش مهارتهای جدید تا کودکان بتوانند به گونه ای خلاق، دنیا را سیاحت کند.
- ۱۰- شکوفا کردن تصور و تخیل کودک
- ۱۱- استفاده از روشهای حل مسئله حتی در سنین پایین
- ۱۲- کودکان پیش دبستانی خود آشکارا خلاق هستند، این گرایش طبیعی به جانب خلاقیت را سایرین تغییر ندهند.

۱۳- پرورش تفکر واگرا

۱۴- پرورش تفکر همگرا نیز نادیه گرفته نشود زیرا خلاقیت از طریق تولید واگرا و تولید همگرا ایجاد می گردد.

۱۵- یادگیری بسیار مهم، ولی تفریحی و جالب باشد.

۱۶- کودکان به عنوان افراد منحصر به فرد، قابل احترام و محبت قرار گیرند.

۱۷- کودکان در محیط های آموزشی خود یادگیرنده فعال باشند.

۱۸- فضای کلاس عاری از تنش و فشار باشد و کودکان در آن احساس آسایش و آرامش کنند.

۱۹- کودکان در آموزشگاه احساس عزت نفس و ارزش معنوی داشته باشند.

۲۰- مربیان منبع اطلاعات و هدایت هستند. کودکان باید برای مربیان احترام قائل شوند اما در حضور آنها احساس راحتی نمایند.

۲۱- کودکان برای بحث بی پرده درباره ی مسائل با مربی یا همکلاسه های خود احساس آزادی نمایند.

۲۲- همکاری همیشه بر رقابت ترجیح داشته باشد.

۲۳- تجارب یادگیری حتی الامکان به تجارب دنیای واقعی کودکان نزدیک باشد.

۲۴- از جمله عوامل بسیار مهم در یک محیط آموزشی، نقش الگوی مربیان است. مربیانی که در احساس کودکان شریک می شوند، خود را کامل نمی دانند و احترام

عمیق برای آنها قائل هستند و رفتار آنها الگویی است از آن چه می گویند، و شوق

همکاری در یادگیری و خلاقیت را در کودکان افزایش می دهند.

۲۵- فضای فیزیکی محیط های آموزشی باید ایده برانگیز و متنوع باشد. وجود

وسایل آموزشی لازم و دسترس کودکان به آنها نقش مهمی در پرورش خلاقیت

کودکان دارد.

۲۶- به کودک فرصت دهید تا بدون ترس از عواقب ارزشیابی به یادگیری، تفکر و

اکتشاف پردازد.

۲۷- از همسان سازی کودکان بپرهیزید (همسان سازی کودکان یعنی محدود کردن

تجربیات و سوق دادن کودک به نحوه ی تفکر همگرا)

۲۸- یادگیری مشارکتی و گروهی

۲۹- به کارگیری تفکر، طراحی ذهنی، ردیابی ذهنی، هدف یابی در فرآیند یادگیری که

منجر به پویایی ذهن شود.

۳۰- در برنامه ریزی آموزشی خلاق به کودکان فرصت انتخاب و پذیرش یک مفهوم

داده شود.

۳۱- فرصت اظهارنظر یا رد آن مفهوم

۳۲- فرصت تحلیل و بررسی کلیه رویکردها

۳۳- پرورش کارکرد بخش راست و چپ مغز (بخش راست مغز مسئول فعالیتهای

مربوط به تفکر واگرا، بخش چپ مغز مسئول فعالیتهای مربوط به تفکر همگرا)

۳۴- اندازه گیری خلاقیت کودکان از طریق آزمون تورنس که خلاقیت و نیز پیشرفت

تحصیلی مورد بررسی قرار می گیرد.

۳۵- آشنایی و تماس مستقیم مردم با کودکان خلاق و نیازهای آنها

۳۶- آموزش اطلاعات و تجربیات مربوط به رفتار خلاق به منزله ی مواد اولیه

۳۷- آموزش توجه به جزئیات موضوع، تصاویر و ...

۳۸- ایجاد انگیزه و مرکز رغبت

۳۹- کاهش اضطراب کودکان

۴۰- شوخ طبعی

۴۱- توجه به خلاقیت کودکان و قدردانی از ایده ها و تجربه های نوین

۴۲- عدم قضاوت زود هنگام بر روی یک موضوع ناآشنا

۴۳- استفاده از روش بارش مغزی (ذهن انگیزی)

۴۴- تجارب کودکان را به مورد خاص محدود نکنیم (کار بدیع و کار خلاق را تقویت

کنیم)

۴۵- تهیه فهرست مطالبی از سئوالات (چرا، کجا، چه موقع، چه کسی، چه چیزی،

چطور)

- فهرستی از سئوالات بدین قرار تهیه گردد:

۴۶- ترکیب کردن

۴۷- اقتباس

۴۸- تعدیل و تغییر

۴۹- بزرگ کردن

۵۰- استفاده های دیگر از اشیاء و پدیده ها

۵۱- حذف کردن

۵۲- تغییر دادن ترتیب ها

۵۳- وارونه سازی

۵۴- جایگزین کردن

۵۵- ارتباط اجباری چیزهایی که معمولاً هیچگونه رابطه ای با یکدیگر ندارند.

۵۶- آموزش معکوس سازی مسئله

۵۷- آموزش تداعی تصویر

۵۸- تقویت کنجکاوی (پرسیدن، تقاضا و جستجوی اطلاعات جدید)

۵۹- تقویت اعتماد به نفس

۶۰- به تفاوتها احترام بگذارید، یعنی از رقابتها جلوگیری کنید (هر رقابتی صحیح

نیست، بعضی از رقابتها اعتماد به نفس را از بین می برد).

۶۱- بگذاریم آنها خود پاسخگو باشند.

۶۲- خیلی به آنها نه نگوئیم.

۶۳- کارها و رفتارهای خوب کودکان را توصیف کنیم.

۶۴- به خاطر راستگویی آنها را تنبیه نکنیم.

۶۵- به بهانه کثیف شدن از کشف کردن چیزها جلوگیری نکنیم.

۶۶- یاد بدهیم که همیشه ممکن است بزرگترها درست فکر نکنند.

۶۷- برای راه حل های آنها ارزش و اعتبار قائل شویم.

۶۸- آماده سازی کودک برای خلاقیت (۱- ترکیب بندی نو از اشیاء و مواد در

دسترس.

۲- استفاده های نامعمول از اشیای معمولی)

۶۹- پرورش حواس کودک شامل این موارد است:

تمرینات دیداری

شنیداری

لمسی

بویایی

چشایی

تمرینات حسی - تجسمی (جزء تمینات مربوط به تصویرسازی ذهنی است)

تمرینات حسی آمیزی (باید از طریق تناظریایی و تخیل به یاد بیاوریم. مانند: صدای سیب)

تمرینات ترجمه حسی (دو نظام حسی به هم تبدیل می شود که ممکن است قبلاً تجربه شده باشد. مانند: به یاد آوردن گرمای آتش از تصویر)

۷۰- ایجاد هیجان مناسب (تن آرامی، حرکت - آگاهی، تصویرسازی ذهنی، تصویرسازی هدایت شده، قصه های ناتمام)

۷۱- به کارگیری مهارت های تفکر (جلسات بارش فکری برای کودکان، تفکر تصویری، تصویرسازی ذهنی، ارتباط اجباری، داستان های ناتمام، استفاده از لطیفه،

طنز، شوخی، شکک، فهرست صفات، حرکات بدنی و ژست ها، بازی های خلاق)

منبع : <http://noamooz.blogfa.com>

گفته های طنز آمیز

فرستنده : لسلی پیچ

اکثر بچه ها از درآمدن گلها خوششان می آید. البته بیشتر از ریشه.

اف. دبلیو. جونز

سابق پدر و مادرها بچه هار را به قصد تربیتشان می زدند، امروزه به خاطر دفاع از خود.

//

پی. جی. اورورک

این حرف مهمل را که هنوز هم در کلاسهای دانشگاه تکرار می شود، اول بار ژان ژاک روسو برسر زبانها انداخت و آن اینکه انسان طبیعی طبیعتاً خوب است. هر کسی که یک بار در عمرش بچه نوپایی را دیده باشد می داند این حرف چه قدر یاوه است.

//

لین اوبلینگ هاوس //

سریع ترین راه برای پدر و یا مادری که بخواهد توجه بچه اش را جلب کند این است که گوشه ای بنشیند و نفس راحتی بکشد.

//

جیمز اشر

همه ی ما، در ۴ سالگی با کلاه کاغذی بر سر و شمشیر چوبی در دست، ژنرال هستیم. چیزی که هست عده ای از ما هرگز از این بزرگتر نمی شویم.

//

گریسی آلن

وقتی به دنیا آمدم چنان حیرت زده شدم که تا یک سال و نیم قدرت تکلم نداشتم.

//

لطیفه کودکی

پسر: باباجون، به جون شما همیشه توی کلاس وقتی معلم سؤال می کنه من اولین کسی هستم که دستم را بلند می کنم.

پدر: پس چرا این قدر نمره هایت خرابه؟

پسر: واسه اینکه همیشه غلط جواب می دهم.

معلم: کدام حیوان است که به انسان فوق العاده علاقه مند است؟

شاگرد: گرگ گُشنه آقا.

معلم حساب از جمشید پرسید: اگر مادرت به تو بگوید نصف پرتقال می خواهی یا

هشت شانزدهم پرتقال، کدامشان را انتخاب می کنی؟

جمشید جواب داد: نصف پرتقال را.

معلم گفت: بچه مگر نمی دانی نصف پرتقال با هشت شانزدهم پرتقال یکی است؟

جمشید: چرا آقا می دونیم ولی پرتقالی که شانزده تکه شود، دیگه یک قطره آب هم

نداره اون وقت به چه درد می خورد.

بچه اولی: تو اگه آدمی نبودی، دلت می خواست چه موجودی بودی؟

بچه دومی: دلم می خواست زرافه بودم.

بچه اولی: چرا زرافه؟

بچه دومی: چون در اون صورت وقتی شکلات یا شیرینی می خوردم مدت زیادی مزه اش را احساس می کردم تا وارد شکم شود.

با هم بخندیم^۱

جوجه با مامان مرغی دعواش می شه. جوجه قهر می کنه و می رود توی حیاط داد می زنه آهای پیشی کجایی بیا منو بخور.

لطیفه ۲

معلم: چند جانور را که در آب زندگی می کنند نام ببرید؟

شاگرد: اگه ممکنه یکی از آنها را خودتون نام ببرید.

معلم: مثل اسب آبی

شاگرد: فهمیدم. گاو آبی، خرآبی، گوسفند آبی، شتر آبی و ...

پدر: احمد جان تو در مدرسه در چه چیزی اول هستی؟

پسر: وقتی زنگ را می زنند اولین کسی هستم که از کلاس می روم بیرون.

دبیر: محمود بگو ببینم هادی و عایق چیست؟

شاگرد: آقا هادی، پسرخاله مونه اما عایق رو نمی شناسم.

۱- مجله مهر، صفحه ۴۸، پوپک، بهمن ۸۴

پسر بچه با یک دسته گل وارد خانه شد مادرش با دیدن او پرسید: پسرم این گلها را

از کجا آورده ای؟

پسر بچه جواب داد: از باغ همسایه چیدم.

مادر گفت: خودش می داند که گلها را تو چیده ای؟

پسر بچه جواب داد: آره ماما چون تا سر کوچه هم دنبالم کرد.

معلم دستور: مجید می توانی یک جمله شرطی مثال بزنی؟

شاگرد: بله آقا، هندونه ببر و ببر به شرط چاقو.

بچه: ماما برای من یک لیوان آب بیار.

مادر: بگیر بخواب بچه تا نیومدم بزنمت.

بچه: پس هر وقت اومدی منو بزنی یک لیوان آب هم بیار.

معلم: خوب هوشنگ، بگو ببینم فیل کجا پیدا می شه؟

شاگرد: آقا، فیل به قدری بزرگه که هیچ جا گم نمی شه.

معلم: برای قطع جریان برق چه باید کرد؟

شاگرد: آقا، پول قبض برق رو نباید داد.

با هم بخندیم!

اولی: «می خواهم وسیله ای اختراع کنم که با آن طرف دیگر دیوار دیده شود.»

دومی: «زحمت نکش. قبلاً اختراع شده.»

اولی: «غیرممکن است! چه وسیله ای است؟»

دومی: «پنجره!»

بچه اولی: خسیس! تو که پدرت خیاط است پس چرا یک دست لباس بیشتر نداری؟

بچه دومی: مگر تو که پدرت دندان ساز است، صدتا دندان نداری؟

معلم: وقتی می گوئیم من می خورم، تو می خوری، او می خورد. چه زمانی است؟

شاگرد: حتماً زمان ناهار یا شام است.

یک طوطی با یک قورباغه ازدواج می کند، اسم بچه شان می شود قوطی!

احمد: حسن تو وقتی می روی سر یخچال چی می خوری؟

حسن: کتک.

اولی: می توانی با ابریشم جمله بسازی؟

دومی: بله! هوا، ابری شم خوبه!

معلم: حسن بگو بین فیل و کک چه تفاوتی وجود دارد؟

شاگرد: یک فیل ممکن است در بدنش کک وجود داشته باشد ولی کک ممکن نیست در

بدنش فیل باشد!!

خبرهای کودک

//

- کودکان از زبان عروسک ها درخواست کردند

ما مردم جهان را خندان می خواهیم. هنرمندان شرکت کننده در نهمین جشنواره

نمایش عروسکی مراکز فرهنگی، هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در

قالب آثار نمایشی خود جهانی عاری از خشونت، جنگ و دشمنی را خواستار شوند.

به گزارش روابط عمومی کانون، این کودکان و نوجوانان که ۱۶ اثر نمایشی را /// ۶

اثر مربیان خود و ۱۴ اثر دانش آموزان در کرمانشاه به نمایش گذاشته اند، اغلب در

آثار خود صلح، دوستی، همدلی و پرهیز از خشونت و جنگ را مورد توجه قرار داده

اند. براساس یک بررسی محتوایی از نمایش های ارائه شده در این جشنواره ۱۴

نمایش با مضامین اخلاقی و اجتماعی ۳۰ نمایش با مضامین حماسی و آیینی، ۵

نمایش با مضامین فلسفی و ۲ نمایش با مضامین طنز در نهمین جشنواره نمایش

عروسکی طی روزهای ۲ لغایت ۵ بهمن در کرمانشاه بر روی صحنه رفته است. عمده

آثار ارائه شده با مضامین اخلاقی و اجتماعی به کودکان پیش دبستانی و دبستانی

اختصاص داشته است. ولی بقیه آثار از نظر فراوانی موضوعی و محتوایی، گروههای

سنی نوجوانان را دربرگرفته است.

در بسیاری از این آثار توجه به حفظ میراث های طبیعی، محیط زیست و آثار ماندگار فرهنگی، تاریخی و ادبی نیز از برجستگی خاصی برخوردار است. همچنین توجه به ادبیات کهن فارسی ماند مثنوی - معنوی مولانا، شاهنامه حکیم فردوسی و داستان های با گرایش به ادبیات رمزی (تمثیلی یا نمادین) قابل توجه و تأمل است.

براساس این بررسی که توسط علی اکبر حلیمی کارشناس ارشد ادبیات نمایش و یکی از اعضای گروه داوری نمایش انجام گرفته به لحاظ ساختار نمایشی به روایت گری و نقالی داستان پرداخته اند و از لحاظ فنی کمتر توانسته اند جوهره هنر نمایش و موقعیت داستانی را در مـتـن اـجـرا ایجاد کنند.

- بازیهای رایانه ای کودکان را خشن می کند.

خبرگزاری فارس: تحقیقات ۲۰ ساله دانشمندان در مورد بازی های کامپیوتری حاکی از آن است که این بازی های گرایش افراد را به خشونت، خصوصاً در میان پسران افزایش می دهد.

به نقل از پایگاه اینترنتی جامعه روانشناسان آمریکا APA، در اجلاس سالانه این جامعه که گروه بزرگی از روانشناسان آمریکایی عضو آن هستند، تحلیل آمارهای به دست آمده از تحقیقات این دانشمندان در طول ۲۰ سال گذشته نشان داد که بازی های کامپیوتری یکی از عوامل اصلی گرای افراد به خشونت است.

به طور که حتی ۱۰ دقیقه بازی با یک بازی کامپیوتری خشن باعث ایجاد رفتارهای خشن در میان نوجوانان پسر می شود.

تحقیقات این دانشمندان نشان می دهد که کودکانی که بیشتر دقت خود را صرف بازی های خشن کامپیوتری می کنند در مدرسه در برابر دانش آموزان دیگر و معلمان خود نیز بیشتر به خشونت متوسل می شوند و سعی در سلطه داشتن بر سایر دوستان خود دارند.

این محققان هشدار دادند که چون در اکثر برنامه های کامپیوتری اعمال خشونت کاملاً بدون جزا باقی می ماند و افراد مجرم در ۷۳ درصد موارد به راحتی پیروز می شوند این امر به طور ناخودآگاه کودکان را از آثار منفی و عواقب خشونت بی اطلاع نگه می دارد و آنها را به سوی خشونت سوق می دهد.

- شش عامل اصلی که سالانه باعث مرگ ۱۰ میلیون کودک می شود.
خبرگزاری فارس: شش عامل اصلی که باعث مرگ ۱۰ میلیون کودک زیر ۵ سال در هر سال می شود شناسایی شدند. ۷۳۰ درصد از مرگ و میرهای کودکان به این عوامل مربوط است.

۶ عامل مذکور عبارتند از:

۱- ذات الریه که عامل ۱۹ درصد از مرگ و میرهاست.

۲- اسهال که عامل ۱۸ درصد از مرگ و میرهاست.

۳- بیماریهای خونی که عامل ۱۰ درصد از مرگ و میرهاست.

۴- تولد پیش از موعد که عامل ۸ درصد از مرگ و میرهاست.

۵- مالاریا که عامل ۱۹ درصد از مرگ و میرهاست.

۶- خفگی هنگام تولد که عامل ۱۱ درصد از مرگ و میرهاست.

با این همه محققان معتقدند که فقر اصلی ترین عامل مهم پیشگیری از یان بیماری هاست.

- کودکان طلاق پدر و مادر خود را نمی بخشند.

خبرگزاری فارس: دانشمندان در تحقیقات اخیر خود پی بردند که در حالی که کودکان عادی کمتر دچار نفرت از والدین خود می شوند. ۵۱ درصد کودکان طلاق گناهان پدر خود را نابخشودنی می دانند و ۳۸ درصد آن ها اشتباهات مادرشان را هرگز نمی بخشند.

به نقل از پایگاه اینترنتی اسمارت مریچ یافته های تحقیقاتی الیزابت مارگارت حاکی از آن است که طلاق دارای آثار زیانباری بر کودکان طلاق است که معمولاً در مطالعات علوم اجتماعی نادیده گرفته می شود و به حساب نمی آید.

براساس این یافته ها طلاق علاوه بر هزینه های معمولی که برای جسم و روح کودکان طلاق دارد، دارای آثار زیان بارتری است که معمولاً مورد توجه قرار نمی گیرد. دکتر مارگارت در این باره می گوید: طلاق آثار زیان باری بر بخش های

درونی تر و عمیق تر حیات کودکان طلاق دارد که معمولاً در تحقیقات علوم اجتماعی به آن ها توجه نمی شود.

او می افزاید: اکثر کودکان طلاق حتماً اگر در ظاهر سالم بمانند و حتی به معضلات

اجتماعی و جرایم و جنایات و الکل و ... کشیده نشوند، شادی و سرزندگی خود را از

دست می دهند. و از لحاظ جسمی همانند دیگر کودکان نشاط ندارند.

دکتر مارگارت می افزاید: در خانواده های طبیعی از هر ۱۰ کودک، ۸ کودک احساس

شادی می کنند. اما در بچه های طلاق از هر ۱۰ کودک، ۴ کودک احساس شادی

ندارند.

یافته های تحقیقات دکتر مارگارت نشان می دهد که بچه های طلاق احساس بی

اهمیت بودن می کنند و فقط یک سوم آن ها کودک و بچه بودن را چیزی قابل توجه و

مهم می دانند. علاوه بر این کودکان طلاق ۶ برابر کودکان عادی احساس تنهایی، بی

کسی، بی پشتوانه گی می کنند و در حال که ۷۰ درصد بچه های عادی کودکی خود

را زیبا و سرشار از بازی و شادی می دانند فقط ۴۳ درصد از بچه های طلاق کودکی

خود را درون بازی و شادی می دانند.

- آوای قرآن درد را تسکین می دهد.

محققان ایرانی اعلام کردند: گوش سپردن به آوای قرآن، درد را کاهش می دهد.

دکتر عشایری گفت: در طرح پژوهشی، آیه ۲۳ سوره یوسف با صدای عبدالباسط برای گروهی ۳۰ نفره از بیماران در یکی از بخش های بیمارستان در چند نوبت پخش شد و از روش های مختلف دردسنجی، پیش از آزمون و پس از آزمون صورت گرفت که به نتایج قابل ملاحظه ای در تسکین درد انجامید. دکتر عشایری تأثیر موسیقی آرامش بخش و آوای قرآن /// پرستاران و کاهش درد زایمان را از دیگر تحقیقات انجام شده در بیمارستان سینا اعلام کرد.

- نخستین خط تلفن قصه گو در اختیار کودکان قرار گرفت.

لازم به ذکر است که خاله ستاره عنان مجموعه انمیشن کودکانه ای است و کودکان می توانند همزمان با تماس به شماره تلفن ۴۴۲۱۹۹۳۱ به جز روزهای تعطیل از ساعت ۹ صبح الی ۱۷ بعدازظهر به صورت مستقیم با خاله ستاره صحبت کنند و از زبان وی قصه مورد نظر خود را بشنوند.